

بیانیه پیرامون برنامه هویت سیمای جمهوری اسلامی

"نمایش ضعف"

اللهم و من ارادنی بسوء فاردہ و من کادنی فکده و اجعلنی من احسن عبیدک نصیباً عندک
خدایا هر که بد مرا خواهد بدش را بخواه و هر کس به من مکر کند به مکر خویش
گرفتارش کن و مرا از بهترین بندگان در پاداش قرار ده.

علی (ع) - دعای کمیل

از چندی پیش یک سری برنامه‌های هفتگی از شبکه اول تلویزیون با عنوان «هویت» پخش می‌شود. محور عمده این برنامه، به بهانه مقابله با تهاجم فرهنگی، نقد مواضع و عملکرد جریان‌های متنوع فکری، فرهنگی و سیاسی روشنفکران، از ملی‌گرایان افراطی یا لائیک، باستان‌گرایان، تا ملت‌گرایان اصیل و روشنفکران ملی و مسلمان می‌باشد. اگرچه بخش‌هایی از برنامه، در مورد کوشش برخی جریان‌ات شناخته شده، به منظور اسلام‌زدایی از فرهنگ ایرانی مطالب حقی عنوان می‌کنند، اما در مجموع، حق و باطل سخت به هم درآمیخته شده است.

در این برنامه، با کمال بی‌تقوایی و مودی‌گری، جریان‌های روشنفکری اعم از سیاسی و غیرسیاسی، ملی و غیرملی، مستقل یا وابسته به چپ یا راست، همه در گروه‌بندی واحدی قرار می‌گیرند و با سرهم‌بندی نقل‌قول‌های ناقص و بریده فیلمها و صحنه‌ها و بازی با تصاویر نامربوط به هم، سعی شده است تا به بینندگان چنین القاء شود که همه جریان‌های سیاسی و فکری و فرهنگی روشنفکران و تحصیل‌کرده‌ها از یک قماش و بدون استثناء، خائن به ملت ایران و ضداسلام و نوکر و عامل آگاه یا ناآگاه اجانب می‌باشند. در این برنامه از سائاد ادب به ساحت خدمتگزاران سترگ مشرق زمین، همچون دکتر مصدق نیز، خودداری نشده است. تنها کسانی که در کسوت روحانیت بوده‌اند از تعرض طراحان و مجریان بی‌هویت این برنامه مصون مانده‌اند و چنین استنباط می‌شود که گویا این کسوت به تنهایی موجب مصونیت است.

این برنامه با هدف مخدوش ساختن هویت فرهنگی ملت مسلمان ایران و ملکوک کردن و هتک حرمت اندیشمندان مسلمان ملی و آن گروه از شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی خدمتگزار ایران و اسلام، که در خارج از چارچوب‌های فکری حاکمیت می‌اندیشند، شکل گرفته و در بطن خود تبلیغ یک اندیشه و باور خطرناک به نسل بی‌اطلاع کنونی را می‌پرورد، که ایران سرزمینی خالی از خدمتگزاران صادق است و اکثریت کسانی که در محورهای مختلف فرهنگی، سیاسی، دینی به این ملت و مملکت خدمت کرده‌اند، عامل بیگانه و خائن به ملت خود بوده‌اند. به راستی که بهتر از این نمی‌شد هویت ملتی را مخدوش کرد!! زهی بی‌انصافی و زهی خودپسندی!

ظاهراً تهیه‌کنندگان و اجراکنندگان این برنامه خود فاقد هویت می‌باشند. زیرا بر خلاف رسم جاری،

در ابتدا یا انتهای برنامه، هیچ فرد یا نهادی به‌عنوان مسئول تهیه و اجرا معرفی نمی‌شود. در این برنامه به دور از هم اصول اخلاقی، شرعی و حتی قانونی، سنگین‌ترین تهمت‌ها و افتراها به شریفترین فرزندان این مرز و بوم وارد گردیده و با خباثت تمام، نام بزرگان را در کنار نام برخی از افراد معلوم‌الحال وابسته به رژیم گذشته، که در خارج از کشور، فکر و تلاشی جز نابودی ایران و اسلام ندارند، قرار داده‌اند.

پیرامون این برنامه موضع‌گیری‌ها و اعتراض‌هایی از سوی گروه‌های مختلف سیاسی انجام گرفته است، لیکن در دو قسمت از برنامه به‌طور خاص مطالبی علیه نهضت آزادی ایران و مؤسسان و رهبران آن بیان شده است که به شرح زیر پاسخ داده می‌شود:

۱- جنگ تحمیلی و نهضت آزادی ایران

یکی از محورهای مطرح شده در این برنامه، موضع‌گیری نهضت آزادی ایران پیرامون جنگ ۸ ساله ایران و عراق بوده است، در این مورد همان‌طور که در گذشته بارها پاسخ داده‌ایم، مجدداً توجه ملت شریف ایران را به چند نکته جلب می‌نماییم:

۱/۱- نهضت آزادی ایران با تمام این نیرو از استمرار جنگ علیه ارتش اشغالگر و متجاوز عراق تا زمان فتح خرمشهر حمایت کرد، اما ادامه جنگ را پس از فتح خرمشهر به نفع ملت ایران ندید. بر این اساس نظرات خود را در پاره‌ای از موارد طی نامه‌های خصوصی به رهبر فقید انقلاب و در برخی از موارد به شورای عالی دفاع فرستاد و برخی از نظرات خود را نیز، به وسیله نشریاتی که منتشر می‌نمود، به اطلاع ملت رسانید. رهبر فقید انقلاب نیز به استناد مصاحبه‌ای که از قول مرحوم حاج سیداحمد خمینی در روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۱۴/۱/۷۴ چاپ شده است، ادامه جنگ را پس از فتح خرمشهر به صلاح نمی‌دانستند، لیکن زیر فشار مسئولان اداره جنگ، با اکراه حاضر به قبول ادامه آن شده بودند و برخی از اداره‌کنندگان جنگ نیز در طی مصاحبه‌ای در بهمن ۱۳۶۷ اذعان کرده‌اند که ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر به صلاح مملکت نبوده است (یادواره فجر به مناسبت دهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، واحد انتشارات ستاد دهه فجر، ۱۳۶۷). موضع‌گیری نهضت آزادی ایران در این رابطه کاملاً واقع‌بینانه بوده است. فراموش نشود که عملیات قهرمانانه رزمندگان ایران در فتح خرمشهر و شکست مفتضحانه ارتش عراق نه تنها صدام حسین رئیس‌جمهور عراق را وادار نمود تا در یک سخنرانی رادیو - تلویزیونی تاریخی به اشتباه خود در حمله به ایران اعتراف و اعلام آمادگی برای جبران خسارات نماید، بلکه آن چنان وحشتی در میان دولت‌های عربی به وجود آورد که رهبران عرب در طائف گرد آمدند و پیشنهاد صلح و پرداخت ۳۰ میلیارد دلار غرامت به ایران را دادند. متأسفانه گردانندگان جنگ از این پیشنهاد استقبال نکردند و جنگ را به دنبال ناکجاآباد تا به آن سوی مرزها ادامه دادند. و بیشترین خسارات مالی و انسانی جنگ هم، بعد از فتح خرمشهر به ایران وارد شد. امروز این اداره‌کنندگان جنگ هستند که باید به نسل‌های کنونی و آینده پاسخگو باشند نه نهضت آزادی ایران!

نهضت آزادی افتخار می‌کند که علی‌رغم جو سرکوب و اختناق زمان جنگ، بی‌هراس از پیامدها، صادقانه آنچه را به نفع ملت و مملکت می‌دانست و تشخیص می‌داد، با صراحت بیان داشته و با مسئولان و مردم در میان گذاشته است.

۱/۲- نهضت آزادی ایران بر این باور است که انقلاب کالای صادراتی نیست و نمی‌توان با اقدامات نظامی و یا حتی کمک‌های خارجی انقلاب به راه انداخت و نظامی را تغییر داد، تنها در صورتی که شرایط سیاسی - اقتصادی و اجتماعی مناسب باشد و ملتی بخواهد، می‌تواند با اراده خود حکومت غیرملی را ساقط نموده و حکومت دلخواه خود را مستقر سازد. ادامه جنگ به منظور سقوط رژیم بغداد غیرواقع‌بینانه بود.

۱/۳- نهضت آزادی ایران در مواضع گذشته خود، در حالی که با ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر مخالفت می‌ورزید، به گواهی همین بیانیه‌های اعتراضی، اولاً هرگز در محکوم نمودن رژیم خونخوار و جلا بدعی عراق لحظه‌ای تردید و درنگ نکرده است، ثانیاً از حماسه‌آفرینی‌های رزمندگان دلیر ایران در جبهه و حمایت‌های بی‌سابقه مردمی در پشت جبهه تجلیل فراوان به عمل آورده است.

۲- تکیه بر آزادی

یکی دیگر از محورهای حمله به نهضت آزادی در برنامه «هویت» القاء این منظور است که نهضت آزادی ایران، آزادی را بر عدالت اجتماعی، استقلال و ... مقدم می‌دارد و این نکته به عنوان نقطه ضعفی در اندیشه‌های نهضت عنوان گردیده است، توضیح می‌دهیم که:

اولاً آن آزادی‌هایی که نهضت بر آن پای می‌فشارد، شامل آن دسته از حقوق و آزادی‌های اساسی ملت است که در فصل سوم قانون اساسی نیز تصریح گردیده است.

ثانیاً ما معتقدیم عدالت به مفهوم قرآنی آن، هیچگاه به عدالت در چهارچوب مقولات اقتصادی یا اجتماعی محدود نمی‌شود و اصولاً عدالت در دیکتاتوری قابل تحقق نیست. تأمین و تضمین حقوق و آزادی‌ها اساسی ملت عین «عدالت» و از مقتضیات غیرقابل اجتناب آن می‌باشد. اینها حقوقی است که خداوند به انسان عطا فرموده. آزادی لازمه حفظ کرامت انسانی است و حفظ این کرامت عین عدالت است.

ثالثاً ما معتقدیم که در نبود آزادی و فقدان حاکمیت ملت، استقلال کشور نیز در معرض خطر دائمی است. تنها نیت و خواست حکومت استبدادی، ماندن بر اریکه قدرت به هر قیمتی می‌باشد، چنین حکومتی هنگامی که احساس کند مقبولیت مردمی خود را از دست داده است، برای بقاء خود به قدرت‌های خارجی متوسل و متکی می‌شود، بنابراین، اعتقاد داریم آزادی پیش‌شرط عدالت واقعی و تنها محملی است که در چارچوب آن بحث پیرامون عدالت اجتماعی، حفظ استقلال و حفظ منافع ملی و ... معنا می‌دهد و در فقدان آن و در سایه حکومتی استبدادی، بحث پیرامون این مفاهیم و تعاریف فریبی بیش نیست.

۳- تقدم مبارزه با استبداد

از دیگر محورهای حمله در برنامه «هویت»، تقدم بخشیدن مبارزه با استبداد داخلی به جای مبارزه با استعمار خارجی در باور نهضت آزادی ایران است. لازم به توضیح است که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، نیروهای مبارز ایران درباره محورهای اصلی مبارزه، دیدگاههای متفاوتی داشتند، برخی استبداد داخلی را ریشه اصلی می‌دانستند و برخی استعمار خارجی، و گروه‌هایی استثمار زحمت‌کشان را، برخی از متفکرین هم، نظیر دکتر شریعتی معتقد بودند که مشکل اساسی ایران نه استبداد، نه استعمار و نه استثمار است، بلکه دو چیز است: اول استثمار و دوم هم استثمار!

زنده‌یاد مهندس بازرگان، استبداد داخلی را به لحاظ ریشه‌های تاریخی‌اش، اصل، و حضور استیلای خارجی و استعمار اروپایی را نتیجه آن می‌دانست، اما این هرگز به این معنا نبوده است که نهضت

آزادی ایران و شخص مهندس بازرگان به مبارزه با استعمار و امپریالیسم و سلطه بیگانه اهمیت لازم را نمی‌داده و از آن غافل بوده‌اند؛ بیانی‌ها و تحلیل‌ها و موضع‌گیری‌های آن فقید سعید در مأموریت خلع ید از شرکت سابق نفت انگلیس در ایران، در نهضت مقاومت ملی بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و در نهضت آزادی ایران، گواهی بر این مدعاست.

از طرف دیگر حوادث و سیر تحول مبارزات ملت ایران نیز صحت این دیدگاه را تأیید کرده است. اگر چه مبارزات یکصد ساله اخیر ملت ایران همیشه دو محور اصلی ضد استبدادی و ضد استیلای خارجی یا ضد استعماری داشته است، اما در عمل ملت ایران پی برد تا استبداد داخلی ریشه‌کن نشود، قطع نفوذ بیگانگان و استیلای خارجی امکان‌پذیر نیست بلکه حضور استبداد، در هر شکل و نوعش جاده صاف‌کن سلطه بیگانه می‌باشد. نفی استبداد در نظر نهضت آزادی ایران - اعم از استبداد سیاسی یا دینی از همان نوعی که مرحوم نائینی بر آن تکیه کرده است - هرگز به معنای توجه نکردن به مبارزه با استیلای امپریالیسم نمی‌باشد، اما استبداد در هر کشوری در پیچه ورود نیروهای استعماری به درون آن سرزمین می‌باشد. حاکمیت استبدادی به دلیل نداشتن پایگاه در داخل کشور، از یک سو و به خاطر حفظ موقعیت خود از سوی دیگر، دیر یا زود مجبور می‌گردد به نیروهای بیگانه تکیه کند. در دنیای کنونی حکومت‌های استبدادی اعم از دیکتاتوری پرولتاریا یا دیکتاتوری صلحا، سرانجام یا سقوط می‌کنند یا مجبور به مصالحه با نیروهای استعمارگر خارجی خواهند شد. به عبارت دیگر در شرایط آزاد سیاسی و با وجود نهادهای دموکراتیک و مردمی مانند مطبوعات آزاد و احزاب سیاسی مستقل، هیچ حکومتی نخواهد توانست منافع ملی کشور را به مخاطره انداخته و برای حفظ منافع فردی و گروهی خود با استعمارگران سازش نماید.

۴- لیبرالیسم و نهضت آزادی

گرداندگان برنامه هویت صدا و سیما، ابتدا تعریف‌های از خودساخته‌ای از لیبرالیسم را ارائه می‌دهند و سپس بر اساس آن روشنفکران ملی و مذهبی را به التقاطی بودن و اختلاط مفاهیم لیبرالیسم غربی با اسلام متهم می‌سازند. تعریف محدود و خاص این برنامه از لیبرالیسم، یادآور دیدگاه تنگ‌نظرانه و مغرضانه برخی از نویسندگان غربی است که با معیار قرار دادن اعمال ریاکارانه، رباخواری، خشونت، ظلم و استبداد در برخی از جوامع «اسلامی» تعریف مخدوشی از اسلام ارائه می‌دهند در حالی که یک تعریف عمده لیبرالیسم، آزادی‌خواهی و آزاداندیشی است، در این باره باید به جملاتی از شهید مطهری که بسیاری از مسئولان صدا و سیما ادعای ارادت به ایشان را دارند اشاره کرد:

«... روح آزادی‌خواهی و حریت در تمام دستورات اسلامی به چشم می‌خورد. در تاریخ اسلام با مظاهری روبه‌رو می‌شویم که گویی به قرن هفدهم - دوران انقلاب کبیر فرانسه - و یا قرن بیستم - دوران مکاتب آزادی‌خواهی - متعلق است.»

... تعلیمات لیبرالیستی در متن تعالیم اسلامی وجود دارد. این گنجینه عظیم از ارزش‌های انسانی که در معارف اسلامی نهفته بود، تقریباً از سنه بیست به بعد در ایران به وسیله یک عده از اسلام‌شناس‌های خوب و واقعی وارد خودآگاهی مردم شد. یعنی به مردم گفته شد: اسلام دین عدالت است. اسلام دین حریت و آزادی است. به این ترتیب علاوه بر معنویت، آرمانها و مفاهیم دیگر نظیر برابری، آزادی‌خواهی، عدالت و ... رنگ اسلامی به خود گرفت و در ذهن مردم جایگزین شد. درست به دلیل جایگزینی این مفاهیم در ذهن توده بود که نهضت اخیر ما نهضتی شامل و همه‌گیر شد...»

(پیرامون انقلاب اسلامی، شهید مطهری، انتشارات صدرا، ص ۴۱-۴۵)

مرحوم بهشتی نیز با توجه به همین نکات می‌گوید:

«در این لیبرالیسم نه یک جنبه مثبت جالب، بلکه جنبه‌های مثبت جالب هست...»

۱- لیبرالیسم در زمینه مخالفت توده مردم با حاکمیت و حکومت استبداد و مستبدان تاریخ به وجود آمده و نفی استبداد است، از این نظر چیز خوبی است از این نظر که بر اساس تفکر لیبرالیستی انسانها مجبور نیستند همیشه زیر حکومت یک غول زندگی کنند، بسیار چیز جالبی است. نفی می‌کند استبداد فرد را.

۲- از این نظر که لیبرالیسم نفی می‌کند استبداد جمعی را در شکل استبداد طبقاتی، آن طور که در مارکسیسم هست یا در شکل اصالت کامل جمع و این که خود انسان محور جمع است و فرد چیزی نیست، فرد انسان یک دنباله‌رو است از یک جمع انسان، اساس در جمع انسان است. نفی همین حاکمیت طاغوتی جمع بر فرد اندیشه خوبی است.

لیبرالیسم از جهت نفی استبداد طبقاتی، دیکتاتوری طبقاتی، استبداد کل جامعه و این که واقعاً برای فرد انسان میدان یا مرز قائل شده است و میدان حرکت و انتخاب قائل شده است، از این نظر که بسیار خوب است. صحیح است، مطلوب است. این جنبه لیبرالیسم.

۳- لیبرالیسم از این نظر که برای فرد انسان این منزلت را قائل است که تو ای انسان حرکت کن، پویش داشته باش، عقلت را به کار بینداز، فکرت را به کار بینداز، انتخابت را به کار بینداز، خودت را بساز و محیط خودت را بساز، تسلیم وضع موجود نشو، از این نظر هم بسیار جالب است. زمینه برای شکفتن نیروها و استعدادهای درونی انسان.

اینها جنبه جالب و مثبت لیبرالیسم است.

لیبرالیسم اقتصادی تکیه بر روی مالکیت فردی دارد و فعالیت‌های اقتصادی فردی و این که به فرد انسان باید میدان داد تا هر جور که دلش می‌خواهد تولید کند و فرآورده خودش را هر جور دلش می‌خواهد به بازار عرضه کند. آزادی تولید، آزادی توزیع و عرضه و تقاضای آزاد منشأ رشد اقتصادی و شکوفایی اقتصاد جامعه می‌شود. از این نظر که تا حدی زمینه را برای خودانگیختگی اقتصادی انسان فراهم می‌کند بسیار جالب است. اینها نمونه‌هایی از جنبه‌های مثبت لیبرالیسم است»

(بهشتی، دکتر سیدمحمدحسین مقاله: «لیبرالیسم» مجموعه ۵ گفتار از انتشارات قیام، قم، بیتا)

مخالفت سنت‌گرایان قشری و متحجر با لیبرالیسم در واقع حاصل عدم اعتقاد آنان به حقوق و آزادی‌های اساسی ملت می‌باشد.

۵- ایرانیت و اسلامیت

گردانندگان برنامه هویت، روشنفکران و ملیون مذهبی را التقاطی می‌خوانند. زیرا به زعم آنان، ملت‌گرایی یا اسلامیت در تعارض بنیادی است. بنابراین ملی بودن مترادف است با بی‌دینی و لازمه دینداری اصیل، بی‌وطنی و نفی ملی‌گرایی است، این بی‌پایه‌ترین نظریه‌ای است که متأسفانه از صدا و سیما تبلیغ می‌شود. این نگرش در واقع یک روی دیگر سکه‌ای است که ملی‌گرایان افراطی در جهت حذف و نادیده گرفتن عناصر اسلامی از فرهنگ اصیل ملی ما عمل می‌کنند.

شادروان مهندس بازرگان به هنگام اعلام تأسیس نهضت آزادی ایران، اعلام کرد: ما ایرانی، مسلمان و مصدقی هستیم و با این عبارت عناصر اصلی هویت ملی را که دیانت و ملیت است ترسیم نموده است. نهضت آزادی ایران همچنان بر این هویت اصرار می‌ورزد.

۶- مذاکرات سیاسی

محور دیگری که در برنامه هویت صدا و سیما، بهانه برای حمله ناجوانمردانه به نهضت آزادی شده است، مسئله ارتباط سیاسی با مسئولان سفارت سابق آمریکا در ایران، از جمله آقای استمپل است. در

این رابطه توضیح چند نکته ضروری است:

انجام مذاکرات سیاسی با دشمنان در مراحل مختلف رشد جنبش‌های مردمی، اعم از دینی یا غیر آن، در جهت تسهیل پیروزی امری عادی و ضروری است. پیامبران عظام به دیدار و گفت‌وگو با فرعون‌های زمان، آن هم به دستور قرآن به زبان ملایم مأمور بوده‌اند، در سایر انقلاب‌های جهان نیز این رویه مرسوم بوده است. در جریان انقلاب اسلامی ایران نیز، مذاکراتی از این نوع در پاریس توسط رهبر فقید انقلاب و در تهران توسط رهبران و فعالین جنبش در سطوح مختلف با اطلاع و تصویب شورای انقلاب، در چند محور، صورت می‌گرفت.

در یک محور، مرحوم دکتر بهشتی به تنهایی و مستقیماً با سفیر آمریکا «سولیوان» در ارتباط بود. در این مذاکرات استانی اسکودرو (Estanly Escudero) کلر مند سفارت آمریکا که به زبان فارسی مسلط بود حضور داشته و نقش مترجم را ایفا می‌نمود.

محور دیگر، مذاکرات سولیوان با شادروان مهندس بازرگان و آیت‌الله موسوی اردبیلی و بعضاً با حضور آقای دکتر یدالله سبحانی بود. حضور آقای مهندس محمد توسلی در این مذاکرات به‌عنوان مترجم در چارچوب این سیاست‌ها و پیگیری آنها بود. مشروح این مذاکرات در کتاب استمیل به نام «اندرون انقلاب ایران» آمده است.

در پاریس نیز پیام‌های کتبی و شفاهی میان رئیس‌جمهور وقت آمریکا و مقامات دولت آمریکا با رهبر فقید انقلاب مبادله می‌شد. پیام رئیس‌جمهور وقت آمریکا و جواب رهبر فقید انقلاب توسط نماینده ویژه رئیس‌جمهور وقت فرانسه مبادله شد. برخی دیگر از پیامها توسط نماینده سفارت آمریکا در پاریس مبادله می‌شد، مشروح این مذاکرات در صفحات ۲۷۵ الی ۳۰۱ جلد دوم کتاب تاریخ ۲۵ ساله ایران از کودتا تا انقلاب، تألیف سرهنگ غلامرضا نجاتی (انتشارات رسا، ۱۳۷۱) آمده است. هر محقق بی‌طرفی که به مدارک موجود، حتی مطالب مربوط به اسناد منتشر شده از سفارت سابق آمریکا مراجعه کند، به وضوح درمی‌یابد که دیپلماسی مسئولان انقلاب و مذاکرات انجام شده، بر خلاف آنچه تهیه‌کنندگان برنامه هویت آن را «ساده‌لوحانه» خوانده‌اند، با هوشمندی و با رعایت کامل مصالح ملی صورت گرفته و در راستای کاهش تلفات و به ثمر رساندن مبارزات آزادیخواهانه و ضداستبدادی ملت بوده و نقش تعیین‌کننده‌ای در پیروزی انقلاب داشته است.

گردانندگان اصلی برنامه هویت در صدا و سیما، با این نوع تحلیل‌ها در واقع اصالت انقلاب اسلامی را زیر سؤال می‌برند و آب به آسیاب دشمنان می‌ریزند.

۷- اعترافات در زندان

مجریان پشت پرده «هویت» در صدا و سیما، در راستای امیال بیمارگونه خود و به‌منظور تلاش برای به اصطلاح بی‌آبرو کردن نهضت آزادی ایران، از شیوه‌ای استفاده می‌کنند که در تاریخ سیاسی جهان ابتکار آن به نام استالین و بریل ثبت شده است. در این برنامه از مصاحبه‌ای که در سال ۱۳۶۹، در دوره بازداشت غیرقانونی آقای مهندس عزت‌الله سبحانی تهیه شده بود، سوءاستفاده کرده‌اند. مصاحبه‌ای که آقای مهندس سبحانی در نامه سرگشاده مورخه ۷۵/۴/۱۰ به ریاست محترم جمهوری در رد آن، صریحاً اعلام کرده‌اند که: «مصاحبه‌کذایی در شرایط فشار شدید روح و روانی ضبط شده است و فاقد هر گونه اعتبار شرعی و قانونی و اجتماعی است».

استفاده از چنین روشی در تناقض و تعارض اساسی با معیارهای شناخته شده در قضای اسلامی می‌باشد، به‌عنوان نمونه به چند سند معتبر اسلامی در این مورد اشاره می‌گردد:

۱- از ابی‌عبدالله (ع): امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود «من اقر عندالتجريد او تخويف او حبس او تهديد فلا علیه». (الوسائل، باب ۷)

کسی که در شرایط (زندان) مجرد یا با ترساندن یا حبس یا تهدید اقرار کند، بر او محکومیتی نیست.

۲- از علی (ع): من اقر بعد علی تخويف او حبس او ضرب لم یجز ذلک علیه و لا یحد.

کسی که با ترساندن یا حبس یا کتک زدن اقرار کند نه مجازاتی بر این کار دارد و نه حدی.

۳- از علی (ع): از رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود: «لاحد علی معترف بعد بلاء. انه من قیدت او حبست او تهددت فلا اقرار له. (مسند زید - کتاب الحدود)

حد مجاز نیست بر کسی که پس از شکنجه اعتراف کند. کسی که محدود و محبوس و مورد تهدید واقع شود اقرارش فاقد ارزش قانونی است.

۴- ابو عبدالله (ع) فرمود: لایجوز علی رجل قود و لاحد باقرار بتخويف و لاحبس و لایضرب و لایقید. (الجعفریات)

برای اقرار گرفتن از شخص، محدود کردن، ترساندن، حبس و کتک زدن مجاز نیست.

معنا و مفهوم کلی همه روایات بالا یکسان است: کسی که در زندان به زور یا تهدید اقرار به جرمی کند، اعترافش ارزشی ندارد و نمی‌توان درباره او مجازاتی اعمال کرد.

حال ما می‌پرسیم چرا جریان‌ات قشری و بعضاً مشکوک، با در اختیار گرفتن صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، ۱۸ سال بعد از پیروزی انقلاب و بعد از محدودیت‌ها و سرکوب‌های مکرر و مستمر فیزیکی و تبلیغات گسترده علیه نهضت آزادی ایران، خود را مجبور به استفاده از این شیوه غیراسلامی و ارتکاب چنین منکر بارزی دیده‌اند؟ آیا غیر از این است که علی‌رغم تمام فشارها و سرکوب‌ها و محدودیت‌ها، اعتبار سیاسی نهضت آزادی ایران در افکار عمومی ملت شریف ایران روز به روز بیشتر شده و می‌شود؟

۸- هدف و وسیله

صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به‌طور کامل و در بست در اختیار حاکمیت و ابزار اعمال قدرت شده است در حالی که این سازمان با بودجه بیت‌المال اداره می‌شود و نباید به صورت بلندگوی تبلیغاتی حاکمیت یا جریان‌های خاصی از آن عمل کند. با توجه به وضعیت حاکم بر رسانه‌های گروهی کشور، انتظار آن نیست که عقاید و نظرات مخالفین هم از صدا و سیما پخش شود اما آیا مسئولان صدا و سیما مجازند در برخورد با مخالفین از شیوه‌های غیرقانونی استفاده کنند؟ آیا نهادی که مشروعیت خود را منتسب به مقام ولایت فقیه تبلیغ می‌کند، باید تا به این حد از مراتب اخلاق و انصاف و انسانیت سقوط کرده باشد؟ آیا در جمهوری اسلامی هدف وسیله را توجیه می‌کند؟

آیا مسئولان و دلسوزان نظام جمهوری اسلامی نباید نگران انحطاط اخلاق و سقوط ارزش‌های مسلم در کشوری باشند که مدعی «ام‌القراء جهان اسلام» است؟ آیا بی‌تقوایی و بی‌انصافی حاکم در سازمان عریض و طویل صدا و سیمای چشم و چراغ و سخنگو و جلوه‌دهنده حاکمیت در ابعاد گسترده اجتماعی نگران‌کننده نمی‌باشد؟!

آیا صداها آیه و حدیث در مکارم اخلاق، بخصوص در حکمت نگهداری زبان و امساک در کلام، مراقبت بر سخن، سنجیده گفتن، فرزانی نظیر و سکوت، اجتناب از غیبت، تهمت، بهتان، سب و لعن، فحش و پرده‌داری و

... در فقه شیعه و در شریعت پاک محمدی و شیوه ائمه هدی «جنبه فردی و فرعی» داشته، یا مربوط به دوران قبل از انقلاب بوده است؟ آیا نباید در گزینش مسئولان ارتباط جمعی - که لغزش و خطای آنان میلیون‌ها برابر آثار مخرب در دل و دماغ آحاد ملت تا اقصی نقاط مملکت دارد - دقت کافی به عمل آورد؟

اگر وسایل ارتباط جمعی در دوران انقلاب الکترونیک مهار نشوند و پرهیزگارتین افراد بر آنها گمارده نشوند و مراقبت همگانی دائمی بر اعمال آنان وجود نداشته باشد، بدانید که ملتی دریده و گزیده خواهند شد زیرا زبان مانند درنده‌ای است که اگر به خود واگذار شود می‌گزد (اللسان سبع ان خلی عقر). مسئولان این حکومت، که مدعی جانشین حکومت امام العارفین می‌باشند، آیا توصیه‌های آن امام همام را به مالک اشتر در منشور ابدی حکومت خوانده‌اند که فرمود:

فلا تکشفن عما غاب عنک فانما علیک تطهیر ما ظهر لک.

«می‌باید هرگز درصدد کشف معایبی از مردم که بر تو پوشیده است باشی، بلکه وظیفه تو (دولت اسلامی) پاک کردن و خوب جلوه دادن چیزهایی است که بر تو آشکار شده.»

آیا خداوند در سوره نور نفرموده است:

ان تلقونه بالسنکم و تقولون بافواکم ما لیس لکم به علم و تحسبونه میناً و هو عندالله عظیم

آنگاه که آن را (خبر و شایعه را نه به صورت تحقیق و بررسی بلکه به صورت) زبانی دریافت می‌کنید و با دهان‌های خود چیزی را بیان می‌کنید که هیچ گونه علمی به آن ندارید و چنین کاری را سهل‌انگارانه ساده می‌پندارید در حالی که نزد خدا عظیم است.

اگر سهل‌انگاری و ساده‌نگری به مسائل و اتهام وارد ساختن به یک فرد در یک جامعه نزد خداوند عواقب «عظیم» دارد، گستاخی و بی‌تقوایی بهتان زدن بدترین خیانت‌ها به یک جمعیت و جریان سیاسی سابقه‌دار و خدمتگزار را چگونه می‌توان توجیه کرد.

مگر خداوند عزیز حکیم نفرموده است:

«و لایجرمنکم شنان قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی»

مآئه ۱۲- می‌باید دشمنی و مخالفت با یک گروه شما را به ارتکاب جرم بی‌عدالتی سوق دهد، عدالت کنید که به تقوا نزدیک‌تر است.

این چه عدالت و تقوای سیاسی است که خط‌دهندگان به سیمای جمهوری اسلامی برای سرکوبی و خفه کردن معترضین به عملکرد خود، با سوءاستفاده از امکاناتی که در اختیار دارند، هر چه دل تنگ و تیره‌شان می‌خواهد تبلیغ می‌نمایند، آیا این عناصر از مصادیق مسلم «والذین فی قلوبهم مرض و المرجفون فی‌المدینه» (بیماردلان آشوبگر در شهر) نیستند؟

آیا حاملان فقه جعفری نباید به این کلام امام جعفر صادق توجه نمایند که:

«من روی علی مؤمن روايه یرید بها شینه و هدم مروته لیسقط من اعین الناس اخرجہ الله من ولایته الی ولایه الشیطان فلا یقبله الشیطان (اصول کافی ج ۴ ص ۶۲).

هر کس علیه مؤمنی به قصد زشت نمایاندن (لجن‌پراکنی) و پایمال کردن شخصیت او مطلب و ماجرای را نقل نماید تا از چشم مردم بیفتد، خداوند او را از ولایت خویش به ولایت شیطان اخراج کند. شیطان هم او را نپذیرد!»

آیا کسانی که برای پوشاندن عجز و ناتوانی خود و بالا رفتن از نردبان قدرت، دیگران را با ترور شخصیتی ساقط می‌سازند، آن چنان که در سوره حجرات در مذمت غیبت تصریح نموده، مشغول خوردن گوشت برادر مرده (برای فربه شدن و بالا رفتن) نیستند؟

نهضت آزادی ایران، در انجام وظایفش نسبت به ملت و مملکت و تعهدی که با خدای سبحان دارد، از

اجرای این برنامه‌ها ترس و نگرانی ندارد. دشمنان تنگ‌نظر و بیمار ما، آن قدر در نزد مردم بی‌اعتبار هستند که اجرای این برنامه‌ها و همچنین انتشار جزواتی از نوع آنچه نشریه رسوای «صبح» علیه نهضت آزادی تهیه کرده است، نه تنها نمی‌تواند به مؤسسين و رهبران حاضر و غایب آن لطمه‌ای بزند، بلکه بر اعتبار آنان نیز می‌افزاید. نهضت آزادی ایران در این مورد خود را مشمول این فرمایش امام صادق (ع) می‌داند که فرمود:

طوبی لکم اذا حسدتم و شتمتم و قیل فیکم کل کلمه قبیحه کاذبه حیثئذ فافرحوا و ابتهجوا فان اجرکم قد کثر فی السماء (تحف‌العقول، ص ۵۳۵)

خوشا به حال شما آن وقت که مورد حسادت و شماتت واقع شده و درباره‌تان هر سخن زشت دروغ گفته شود. در چنین حالتی خوشحال و مسرور باشید چرا که اجر شما در آسمان زیاد شده است.

اما با وجود این، از آنجا که دفاع یک وظیفه مسلم شرعی است و برای آن که اذهان پاک و زلال نسل جوانمان، که بیش از دوسوم جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، نسبت به حقایق مسلم تاریخی و واقعیت‌های کنونی بیش از این مخدوش نگردد، نهضت آزادی در تاریخ ۷۵/۴/۷ طی نامه‌ای به ریاست سازمان صدا و سیما، ضمن اعتراض به برنامه هویت، خواستار اختصاص وقت مساوی برای پاسخ به اتهامات سراپا دروغ صدا و سیما شد و برای یک مناظره به طراحان و گردانندگان آن اعلام آمادگی نمود. این درخواست قانونی نهضت آزادی تا کنون بدون جواب مانده است.

مردم شریف ایران

تقابل و تعامل فرهنگ‌ها، آن هم در دوران کنونی اجتناب‌ناپذیر است. تنها راه حفظ این معیارها و ارزش‌های فرهنگی ملی در برابر فرهنگ‌های بیگانه، شناخت و تقویت عناصر اصیل فرهنگ ملی ما، که اسلامی و ایرانی است، خواهد بود. برنامه هویت صدا و سیما نه در این راستا، بلکه با مخدوش ساختن مبانی اصیل فرهنگ ایرانی و تلاش در جهت جداسازی دیانت از ملیت، عملاً اعتقاد نسل جوان را به فرهنگ ملی سست و آنها را در برابر تهاجم فرهنگی خلع سلاح می‌نماید.

نهضت آزادی ایران در طی ۱۷ سال که از انقلاب می‌گذرد، همواره سعی کرده است به موقع هشدارهای لازم را به حاکمیت بدهد و حقایق تلخ را به آنان گوشزد کند، خواه بپذیرد یا نپذیرد و اکنون نیز به خواست خدا، هم چنان به وظایف اسلامی و ملی خود ادامه خواهد داد و ایمان دارد که: العاقبه للمتقین.

نهضت آزادی ایران

۸ مرداد ماه ۷۵